**باسمه تعالی**

موضوع: قاعده لا ضرر/ مفاد قاعده /معنای ضرر

خلاصه مباحث گذشته:

بحث منتهی به جهت دوم قاعده لا ضرر یعنی مفاد این قاعده شد که در مرحله قبل بیان شد اعتبار این قاعده از حیث اسناد اخبار تمام است.

در مرحله سند بیان شد که سه روایت قابل اعتماد است اما این مفاد در چند روایت دیگر هم مطرح شده است، مثل بحث شفعه، بنابراین در ضمن قواعد دیگر هم این مضمون موجود است منتهی معروف این است که این روایات به دلیل مشکل سندی قابل استناد نیست از باب وجود دو راوی که اثبات وثاقتشان مشکل است.

|  |
| --- |
| مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَضَى رَسُولُ اللَّهِ ص بِالشُّفْعَةِ بَيْنَ الشُّرَكَاءِ فِي الْأَرَضِينَ وَ الْمَسَاكِنِ وَ قَالَ لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ وَ قَالَ إِذَا رُفَّتِ الْأُرَفُ وَ حُدَّتِ الْحُدُودُ فَلَا شُفْعَةَ.***[[1]](#footnote-1)***  مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَضَى رَسُولُ اللَّهِ ص بَيْنَ أَهْلِ الْمَدِينَةِ فِي مَشَارِبِ النَّخْلِ أَنَّهُ لَا يُمْنَعُ نَفْعُ الشَّيْ‏ءِ وَ قَضَى ص بَيْنَ أَهْلِ الْبَادِيَةِ أَنَّهُ لَا يُمْنَعُ فَضْلُ مَاءٍ لِيُمْنَعَ بِهِ فَضْلُ كَلَإٍ وَ قَالَ لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ.***[[2]](#footnote-2)*** |

مشکل اول از ناحیه محمد بن هلال که راوی عمده او محمد بن حسین بن ابو الخطاب است که معلوم نیست به حدی نقل از او داشته باشد که به حد توثیق محمد بن هلال برسد و مشکل دوم از ناحیه عقبة بن خالد است که عمده راوی کتاب او علی پسرش می باشد، البته برخی در صدد اثبات وثاقت این دو به واسطه کثرت نقل اجلاء از آن ها بوده اند که این راه صغرویا در مقام مشکل است، اما لا اقل از برای تأیید می توان به این دو روایت استناد نمود.

# مقام دوم: مفاد لا ضرر

بعد از فراغ از صدور و اعتبار روایت بحث از مفاد این قاعده ضروری است که در سه جهت بحث می شود.

بحث اول: مفاد ماده ضرر

بحث دوم: مفاد ضرر و ضرار

بحث سوم: مفاد ترکیب این دو با لا، به این بیان که آیا این مفاد مفید نهی است یا نفی؟

فهم این قاعده بدون بررسی این سه مرحله ممکن نیست.

## بحث اول: مفاد ماده ضرر

به نظر مرحوم آخوند ضرر به معنای نقص و در مقابل نفع است، و ضرر اعم از نفسی و مادی است کما این که در ماجرای سمره ضرر غیر مادی است و همین طور در مثل قضیه خیارات که به لا ضرر استناد می شود ممکن است از باب حقوق و امور غیر مادی باشد.

تقابل ضرر و نفع، تقابل عدم و ملکه است به این بیان که هر عدمی ضرر نیست، بلکه مواردی که شأنیت وجود باشد عدم وجود ضرر محسوب می شود.

### اشکال مرحوم اصفهانی: ضرر به معنای نقص اکتمال نه عدم نفع

ظاهر کلام مرحوم آخوند ضرر به معنای عدم النفع است در حالی که ضرر نقص از اکتمال است نه این که ضرر به معنای عدم زیاده بر اکتمال باشد، یعنی برای هر چیزی نصابی وجود دارد که به بیان مرحوم اصفهانی اکتمال است که بالاتر از آن نفع است و پایین تر از آن ضرر است، لذا ضرر در مقابل عدم نفع است نه این که این دو به یک معنا باشند. [[3]](#footnote-3)

#### جواب مرحوم صدر: حیثی بودن کلام مرحوم آخوند

حیثیت ضرر در کلام مرحوم آخوند عدمِ در مقابل ملکه است نه به معنای مطلق نقص، لذا در مقام بیان اکتمال و نصاب و سلامت نبوده و به آن نظارتی ندارد.

به عبارت دیگر مرحوم آخوند به وضوح در صدد بیان این جهت نیست تا مرحوم اصفهانی با دقت نظر بخواهد به ایشان اشکال کند.

### ضرر در کتب لغت

ضرر به حسب لغت در کلمات لغویون معانی متعددی دارد که به بیش از ده معنا می رسد؛ از جمله ضیق و زمین گیری و نبود سلامت و سوء حال و ... و این معنای مختلف از باب تعیین حد لغات از حیث مفهوم نیستند و بیش تر در صدد بیان مصادیق معنا هستند مگر لغویونی نظیر راغب و صاحب مقاییس اللغة که اعتناء به تعیین مفهوم لغات و کلمات داشته اند کما این که معانی الفاظ مختلف را به یک معنا برگشت داده اند.

بله، عموم لغویون مفهوم عام هر کلمه را ضبط نکرده اند و لذا برای مراجعه کننده به کتب لغوی دقت و فقاهت خاصی در علم لغة لازم است، یعنی یا باید انسان از اهل لغة بوده باشد یا این که ممارست فراوان و مستمری با زبان عربی داشته باشد، بنابراین فقیه در علم لغة هم باید مجتهد باشد.

#### معانی ضرر

معانی محتمل در حقیقت و مفهوم لفظ ضرر چند معنا است:

ضرر به معنای ضیق و حرج و شدت.

ضرر به معنای سوء حال (راغب)، چه در اثر نقص مادی و چه در اثر نقص معنوی.

ضرر به معنای نقص.

به نظر می رسد که بین این سه معنا تفاوت عملی وجود ندارد و در همه آن ها نقص وجود دارد، لذا می توان ضرر را به معنای نقص گرفت منتها بر اساس بیان مرحوم صدر هر نقصی ضرر نیست، بلکه نقص معتد به را ضرر می گویند، یعنی نسبت به افراد مختلف متفاوت است.

1. . الکافی جلد 5، صفحه 280 [↑](#footnote-ref-1)
2. . الکافی جلد 5، صفحه 293 [↑](#footnote-ref-2)
3. . نهاية الدراية في شرح الكفاية، ج‏4، ص: 436 [↑](#footnote-ref-3)